

شهر صلح، خون و زیتون



است این شرایط با خشم و واکنش فلسطینیان مواجه و به درگیری و جنگ منجر شد.

رژیم صهیونیستی مستقر توانست ساکنان ناراضی غیر مسلح را قلع و قمع و شهرهای بیشتری را تصرف کند. در طی سال‌های بعد نیز، حتی بعد از شکل‌گیری گروه‌های کوچک مسلح فلسطینی، روند غصب زمین و اخراج فلسطینیان متوقف نشد. رژیم صهیونیستی به پشتوانه کمک‌های نظامی و فناوریانه غربی که به آن سرازیر می‌شدند، به سرعت در حال قدرت گرفتن و ساکنان اصلی این سرزمین هر روز در حال تضعیف و کوچ اجباری بودند. طی ده سال بعد، بیش از هشت میلیون نفر زمین و خانه‌هایشان را در وطنی که زمانی به کشور صلح معروف بود، از دست دادند. با وخیم‌تر شدن

اوضاع، سایر کشورهای عربی نیز به اسرائیل اعلام جنگ کردند، ولی طولی نکشید که آن‌ها نیز به طرز مفتضحانه‌ای طی چهار جنگ پی‌درپی هر بار بدتر از قبل در برابر این رژیم شکست خوردند. اکنون اسرائیل شکست‌ناپذیر به نظر می‌رسد و بیشتر مردم منطقه و فلسطین مأیوس شده بودند. در میانه دهه هفتاد میلادی سران کشورهای عربی تصمیم گرفتند تسلیم شوند و راه سازش را در برابر این رژیم در پیش بگیرند. دیگر هیچ مانعی در برابر اهداف جاه‌طلبانه صهیونیست‌ها وجود نداشت.

اما هنوز یک نفر بود که به آرمان قدس و امداد الهی ایمان داشت. درست همان ماه‌ها که انور سادات و سایر سران واداده کشورهای عربی حقیقانه به آرمان فلسطین پشت کرده و در حال رفتن به دست‌بوسی سران اسرائیل بودند، امام خمینی (ره) در راه بازگشت به ایران بود. بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت رژیم غاصب در تهران به سفارت فلسطین تغییر کرد و ایران اعلام کرد نه تنها در برابر آرمان قدس کوتاه نخواهد آمد، بلکه از تمام گروه‌های فلسطینی و مبارزان‌شان نیز حمایت خواهد کرد. اینجا بود که مسیر تاریخ تغییر کرد و بعد از خیانت سران سست‌عنصر کشورهای عربی، فلسطین و آرمان قدس، حامی جدید و بهتری پیدا کرد.

«... وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ

برای قرن‌ها شهر قدس نزد تمام ادیان الهی مقدس و مهم بود. قدس جایی بود که فرزندان ابراهیم خلیل، پدر موحدین تاریخ، اول بار به آن کوچ کردند. حضرت یوسف (ع) در آنجا زاده شد، حضرت موسی (ع) بنی‌اسرائیل را از مصر به آنجا برد و حضرت داوود و سلیمان در آنجا فرمانروایی کردند. کوروش کبیر آن را از سلطه بابلیان آزاد کرد. حضرت مسیح در این منطقه موعظه کرد و به صلیب کشیده شد و در نهایت پیامبر اسلام (ص) نیز از آنجا به معراج رفت و برای سال‌ها قبله اول مسلمین بود. این شهر در نزد هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، شهری مهم و عزیز است. و برای هزاران سال پیروان ادیان و مذاهب مختلف در این شهر مقدس کنار هم بدون تنش زندگی می‌کردند. **آور یعنی شهر یا کشور و شلیم یعنی آرام و صلح آمیز، از این جهت که این منطقه مکانی مقدس و به دور از نزاع بوده آن را «اورشلیم» یا شهر قدس نامیده‌اند.**

اما این هم‌زیستی صلح‌آمیز با شروع جنگ جهانی اول پایان یافت. امپراتوری عثمانی، در اثر فشار و تحریک انگلیسی‌ها و شورش اعراب سعودی و پان‌ترک‌ها از هم پاشید و به دهه‌ها کشور کوچک‌تر و ضعیف‌تر تقسیم شد. یکی از این کشورها فلسطین و پایتخت آن قدس بود که انگلیسی‌ها به سرعت آن را تصرف کردند. پس از استقرار کامل، **لرد بالفور**، وزیر مستعمرات انگلیس، طی یک حرکت هماهنگ، اعلامیه‌ای صادر کرد که از یهودیان سراسر دنیا دعوت می‌کرد به کمک بریتانیا به فلسطین مهاجرت کنند و با پشتیبانی مالی آن‌ها صاحب زمین شوند. شعار اصلی این اعلامیه این بود: **«کشور بدون مردم در انتظار مردم بدون کشور!»** گویی ده میلیون ساکن قبلی آن اعم از مسلمانان و مسیحیان، مردم حساب نمی‌شدند!

این اعلامیه شروعی بود بر پیاده‌سازی تفکر نژادپرستانه صهیونیسم؛ تفکری که معتقد بود یهودیت نه یک دین الهی، بلکه نژادی خالص و برتر است و سرزمین‌های بین نیل تا فرات نیز به این نژاد تعلق دارند. معتقدند، بین دو رود آبی، باید مهر شش پر این صهیونیسم نقش ببندد؛ دقیقاً همان طرح پرچم اسرائیل. سلطه انگلیس بر فلسطین سی سال دیگر نیز ادامه پیدا کرد. در این مدت جمعیت مهاجران یهودی و زمین‌هایشان بیشتر و بیشتر شد، تا اینکه این مهاجران در سال ۱۹۴۸ مالک تقریباً شش درصد از زمین‌های مرغوب و راهبردی ساحلی شدند. در این سال بود که نیروهای انگلیسی با باقی گذاشتن تسلیحات و ادواتشان در شهرهای یهودی‌نشین، از فلسطین خارج شدند و بلافاصله یهودیان مهاجر اعلام کردند مالک جدید این کشور و شهر مقدس آن هستند؛ کشوری جدید به نام اسرائیل! کشوری که آن‌ها ادعا می‌کردند میراث آبا و اجدادی‌شان است و مسلمانان و مسیحیان (که مالک ۹۴ درصد باقی بودند)، باید آن را ترک کنند! طبیعی



پوشش کنید



طی سال‌های بعد، افسانه‌ی شکست‌ناپذیری اسرائیل جای خود را به عادت همیشگی شکست‌های پی‌درپی داد، تخلیه‌ی صحرای سینا، عقب‌نشینی از جنوب لبنان و جنگ سی‌وسه روزه، جنگ بیست‌ودو روزه و عقب‌نشینی از غزه، انتفاضه‌ی اول و عقب‌نشینی از کرانه‌ی باختری و بالاخره ناامنی و درگیری‌های ادامه‌دار داخلی، اکنون این رژیم را که سید مقاومت به خانه‌ی عنکبوت تشبیه کرده، سست‌تر از همیشه کرده است.

سران این رژیم هر چقدر هم که با ترور و تخریب در سایر کشورها تلاش کنند خود را قدرتمند جلوه دهند، بهتر از هر کسی به ضعف و زبونی و آینده‌تیره‌ی خود در برابر مجاهدان اسلامی آگاه هستند. و ما نیز به وعده‌ی خداوند در قرآن کریمش باور داریم که در مورد آینده‌ی این غاصبان فرمود: «... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتَبِيرًا (سوره اسراء، آیه ۷): ... و هنگامی که وعده‌ی نهایی شما بین اسرائیل فرارسد، از شدت ترس غمگین و مضطرب می‌شوید و گروهی از مردان خدا مسجدالاقصی را از شما باز پس می‌گیرند و شما را به شدت تشبیه خواهند کرد.»

(سوره محمد، آیه ۳۸): «... اگر از آرمان الهی روی برگردانید، خداوند گروه دیگری را جایگزین شما خواهد کرد که بسیار بهتر از شما بند.»

امام خمینی (ره) در سال ۵۸ آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان را روز قدس نام‌گذاری کردند و از همه‌ی مسلمانان جهان و سایر آزادی‌خواهان نیز دعوت کردند دوباره به این آرمان مقدس بازگردند و در مقابل ظلم و اشغالگری رژیم صهیونیستی تسلیم نشوند. این پیام از آن نظر اهمیت ویژه‌ای داشت که مسئله‌ی فلسطین را آرمانی اسلامی و اخلاقی معرفی می‌کرد، نه مسئله‌ای مرتبط با ناسیونالیسم عربی، آن‌گونه که قبلاً تصور می‌شد.

آرمانی که هرساله از غرب تا شرق جهان با مشارکت میلیون‌ها مسلمان و آزاده، با صدای بلند تکرار و زنده نگه داشته می‌شود. بعد از این واقعه و با خون تازه‌ای که به رگ‌های مبارزان سرزمین زیتون تزریق شده بود، کم‌کم امید به قلب‌ها و قدرت به بازوهای مبارزان شهر مقدس بازگشت. طولی نکشید که اسرائیلی که قبلاً اعراب گمان می‌کردند روبین‌تن است، برای اولین بار از زمان تشکیلش شکست خورد و به عقب‌نشینی از جنوب لبنان مجبور شد؛ اما مجاهدانی که اسرائیل را شکست داده بودند، این بار نه نمادهای رنگی حزب بعث، بلکه سربندهایی با شعارهای اسلامی داشتند!